



آرزوی زمستانی آقا میلاد!

تصویرگر: میثم موسوی

علی زراوندوز



میلاد که امپراتور سرزمین شکلات‌ها شده بود، تصمیم داشت خوردن بزرگ‌ترین شکلات جهان را که به دستور او از بهترین مواد اولیه ساخته شده بود، شروع کند. هنوز گاز اول را به آن شکلات غول‌آسا نزده بود که صدای مادرش او را از تخت آبنباتی امپراتوری‌اش انداخت وسط رختخوابش. میلاد که هنوز گیج بود و دنبال شکلات غول‌پیکرش می‌گشت، چشم‌هایش را باز کرد. کمی اطراف را نگاه کرد. باز هم صدای مادر میلاد از بیرون اتاق بلند شد

خواب زمستانی نداریم؟ این طوری هم در زمستان دیگر مجبور نیستیم توی سرما، برف و آلودگی هوا به مدرسه برویم، هم دیگر مامان آدم، درست در لحظه‌ی حساس دیدن یک خواب خوب، او را بیدار نمی‌کند!

مادر میلاد خندید و گفت: «چون رفتارهای زیستی ما انسان‌ها در خیلی از موارد، با بقیه‌ی گونه‌های روی کره‌ی زمین فرق دارد. مهم‌ترین دلیل برای خواب زمستانی حیوانات، محفوظ ماندن آن‌ها از سرما است. خواب زمستانی، دوره‌ی طولانی حفظ انرژی برای جانوران است. موجوداتی که به خواب زمستانی می‌روند، بدنشان آرام می‌شود و میزان دمای بدن، سوخت‌وساز و ضربان قلب آن‌ها کاهش پیدا می‌کند.» میلاد به شوخی گفت: «البته اگر مامانشان مرتب آن‌ها را صدا نکنند و بگذارد این آرامش بدنی ادامه پیدا کند!» مامان میلاد ادامه داد: «البته حیوانات، برعکس آقای میلاد، مامان‌های دلسوزی ندارند که حتی در سرمای زمستان هم برایشان غذای حاضر و آماده بیاورد سر سفره. پس،



که می‌گفت: «چایی صبحانه‌ات یخ کرد. میلاد، بلند شو!»

میلاد فهمید که ظرف چند ثانیه، جای شکلات غول‌پیکر با لقمه‌های نان و پنیر عوض شده است. بعد از شستن دست و صورتش، سر سفره‌ی صبحانه حاضر شد. در حالی که لقمه‌های نان و پنیر را می‌خورد و سعی می‌کرد خواب آن شکلات بزرگ را فراموش کند، از مادرش پرسید: «مامان، راستی چرا ما آدم‌ها مثل برخی جانوران



به انرژی می شود!»
 مادر میلاد در حالی که سفره‌ی صبحانه را جمع می کرد،
 گفت: «برای من هم خیلی بهتر بود، چون برای چند
 ماه از این همه آشپزی برای چند وعده‌ی غذایی در
 روز، راحت می شدم. حالا برو حاضر شو، چون
 باید با ماشین برویم فرودگاه دنبال پدرت که تا
 چند ساعت دیگر از مأموریت برمی گردد.»



چون در فصل زمستان پیدا کردن موادّ غذایی برای
 جانوران سخت تر است، خیلی از آن‌ها در تابستان غذای
 زیادی می خورند و در مدّت زمان خواب زمستانی، از
 ذخیره‌ی چربی بدنشان استفاده می کنند.»

میلاد لیوان چایی شیرینش را سرکشید. مادر میلاد
 ادامه داد: «در ضمن، خواب زمستانی برخی از حیوانات
 تنها برای حفظ انرژی و تلف نشدن در هوای سرد و
 مُردن از گرسنگی به دلیل کمبود غذا نیست، بلکه این
 خواب طولانی بیشتر برای مقابله با حیوانات شکارچی
 است.»



میلاد که دیگر سیر شده بود، از مادرش به خاطر
 صبحانه تشکر کرد و گفت: «ولی با همه‌ی این حرف‌ها،
 من دلم می خواهد هر سال زمستان به خواب زمستانی
 فرو بروم. این طوری می توانم قبلش حسابی شکلات و
 شیرینی بخورم و اگر هم شما اعتراض کردید، بگویم که
 نگران نباش مامان. در خواب زمستانی همه‌اش تبدیل

میلاد به اتاقش رفت تا لباس بپوشد. با خودش
 فکر کرد این خواب زمستانی یک عیب بزرگ هم دارد.
 آن هم این است که اگر شامل حال انسان‌ها می شد،
 در این مدّت زمان طولانی که بچه‌ها در خواب بودند،
 دلشان برای پدر و مادرشان تنگ می شد. چون
 در این مدّت طولانی، دیگر از نوازش، محبّت
 و بوس‌های آبدار بابا و مامان‌ها خبری نبود.

میلاد از اتاقش دادزد: «مامان، همان بهتر که ما آدم‌ها
 خواب زمستانی نداریم!»
 مادرش هم جواب داد: «حالا زود باش حاضر شو.
 وگرنه به جای خواب زمستانی، مثل بعضی گونه‌های
 پنگوئن که در برف و سرمای قطب مهاجرت می کنند،
 مجبور می کنی از این جا تا فرودگاه را با پای پیاده
 بروی!»

